**انترناسیونال ۶۳۷**

**سقوط سوخوی روسی و پی آمدهای آن**

**علی جوادی**

سرنگونی هواپیمای سوخوی روسی توسط فانتوم های ترکیه در مرز هوایی ترکیه – سوریه سرآغاز تنشی جدید در مناسبات منطقه ای و در ابعاد بین المللی شده است. این کشمکش به کجا می انجامد؟ تاثیر آن بر روندهای سیاسی جاری کدام است؟ به سئوالات متعددی در این زمینه باید پرداخت: کدام عواملی باعث روی آوری به چنین اقدام نظامی ای از جانب ترکیه شده است؟ مناسبات میان ترکیه و روسیه به کدام سو میرود؟ احتمال جنگ و رو در رویی نظامی در مناسبات میان کشورها و یا در سطح جهانی چقدر است؟ موقعیت منطقه ای و بین المللی ترکیه و روسیه دستخوش چه تحولاتی خواهد شد؟ اهداف این کشمکش کدام است؟

**سقوط یک هواپیما**

سقوط هواپیمای روسی توسط نیروی هوایی ترکیه چاشنی کشمکشی مهم در سطح منطقه و در سطح بین المللی شده است که مدتهاست در اشکال متفاوت در جریان است. کاهی است که عملا کمر شتر را شکسته است. این اقدام بر خلاف ادعاهای دولت اسلامی ترکیه نمیتواند اقدامی غیرعمد و یا آنطور که دولت اردوغان ادعا میکند ناشی ازعدم شناخت هویت هواپیمایی مورد نظر باشد. هواپیمایی که حتی بنا به ادعای ترکیه و یا ناتو و آمریکا حداکثر چند ثانیه در محدوده آسمانی ترکیه بوده است، نمیتوانسته است که یک خطر نظامی برای ترکیه تلقی شود. در مناسبات بین المللی این اقدامی است که بارها و بارها میان کشورهای منطقه صورت میگیرد. اخیرا الکسی سیپراس، نخست وزیر یونان در حاشیه کنفرانس پاریس، اعلام کرده است که ترکیه خود هر روزه حریم هوایی یونان را نقض میکند و نیروی هوایی این کشور این هواپیماها را از محدوده فضایی یونان خارج میکنند، بدون اینکه الزاما این نقض حریم هوایی منجر به سرنگونی هواپیماهای کشور مربوطه گردد. چند روز پیش نیز دولت اسرائیل اعلام کرد که یک هواپیمای روسی که بر فراز ارتفاعات جولان در پرواز بود، اشتباها وارد حریم فضایی اسرائیل شده که با تذکر این دولت این محدوده را ترک کرد. از این رو باید نتیجه گرفت که این اقدامی عامدانه بوده و گوشه ای از پیشبرد نقشه عملی است که ترکیه در سطح منطقه دنبال میکند. و سئوال این است که کدام نقشه عملی این اقدام را توضیح میدهد.

سرنگونی هواپیمای روسی عملا یک پرووکاسیون سیاسی از جانب دولت ترکیه است. گامی است در جهت افزایش تشدید تخاصم نیروهای منطقه ای درگیر در اوضاع سوریه. ترکیه عضو ناتو است و زیر چتر نظامی و پیمان دفاعی ناتو قرار دارد. هرگونه حمله و برخورد نظامی میان ترکیه عملا میتوان پای ناتو و نیروهای این غول نظامی را به دنبال داشته باشد. دولت ترکیه اخیرا با قرار دادن یک پایگاه نظامی خود به آمریکا برای پرواز بر فراز سوریه، عملا موقعیت ویژه ای در قبال آمریکا بدست آورده است. میدانند که بدون صدور اجازه پرواز به هواپیماهای آمریکایی این کشور عملا قادر به ایفای نقش موثری در سوریه نخواهد شد.

بعلاوه ادامه حملات نظامی روسیه در سوریه و بمباران منابع نفتی داعش، نابودی تانکرهای نفتی ای که محموله هایشان اساسا عازم ترکیه هستند و از این طریق به فروش میرسند، عملا موقعیت ترکیه در سوریه را تضعیف کرده است. نتیجتا ترکیه برای حفظ موقعیت شکننده خود باید کاری میکرد. از این رو این پرووکاسیون را تنها میتوان به مثابه اقدامی تلافی جویانه از جانب ترکیه تلقی کرد، با این محاسبه که قدرت مانور روسیه در مقابله به مثل عملا محدود است و هر گونه عمل متقابلی از جانب روسیه در امتداد خود عملا به معنای مقابله با ناتو است. اقدامی که روسیه نمیتواند به سادگی به آن متوسل شود.

اما محاسبات دولت اسلامی ترکیه تنها بر بخشی از معادلات منطقه استوار شده و عملا تکیه غیر قابل قبولی بر همکاری و نقش نیروهای ناتو و اروپا دارد. تکیه گاهی که خود چندان میل و رغبتی به حمایت ترکیه در چنین شرایط و نقش دوگانه ای که ایفا میکند، ندارد. اولین واکنش را دولت آلمان نشان داد. عملا ترکیه را در این حادثه مقصر اعلام کردند. در آمریکا ژنرالهای مفسر رسانه های بستر اصلی عملا بر اخراج ترکیه از ناتو و مخاطراتی که ماجراجویی اردوغان میتواند برای ناتو و اوضاع بین المللی داشته باشد، پرداختند. نشریه دست راستی فوربز عملا خواهان اخراج ترکیه از ناتو شد. از طرف دیگر دبیر کل ناتو و اوباما نیز اعلام کردند که از ترکیه در مقابل تهاجم خارجی دفاع خواهند کرد. تناقضات ناتو در پس این واقعه عملا آشکار شد.

**چشم انداز مناقشات**

تخاصمات این دو کشور در قبال درگیریهای سوریه چه سیری را طی خواهد کرد؟ آیا درگیری نظامی محتمل و جنگی فراگیر و گسترده تر از جنگ نیابتی در سوریه میان دول ارتجاعی دخیل محتمل است؟

در پاسخ باید گفت که اگر چه پرووکاسیون دولت ترکیه چنین هدفی را بعضا دنبال میکند، اما نیروهایی که سرنوشت چنین وضعیتی را اساسا رقم خواهند زد عملا تمایلی به شکل دادن به چنین وضعیتی یا کشیده شدن به چنین وضعیتی را ندارند. مخاطرات چنین مسیری را میدانند. میگویند جنگ را میتوان بسادگی آغاز کرد اما پایان دادن آن به سادگی قبال انجام نیست. نتیجتا هر دو طرف را، علیرغم تناقضات درونی خود، به "خویشتنداری" فراخواندند. ابعاد کنونی وضعیت فاجعه انگیزی که در سوریه در جریان است، فشار قابل ملاحظه ای را بر دول اروپایی وارد کرده است. موج پناهندگان مستاصلی که کوه ها و دریاها و صحراها را به امید یافتن مامنی می پیمایند، پی آمدهای وضعیتی هستند که اروپای واحد حاضر به پذیرش آن نیست.

متعاقبا روسیه در تقابل نیز بر مناسبات تجاری و اقتصادی خود با ترکیه انگشت گذاشت. قطع صدور سوخت حیاتی گاز به ترکیه یکی از این اهرمهای فشار و ممنوعیت ورود کالاهای صادره از ترکیه اقدام دیگر در این زمینه بود. روسیه هدفش افشای مناسبات آشکار و پنهان هیات حاکمه ترکیه با داعش است. ترکیه نیز میکوشد نقش روسیه در حمایت از جنایات حکومت اسد را برجسته کند.

در حال حاضر طرفین این تخاصم به دنبال گرد آوری بیشترین نیروها در سطح منطقه ای و بین المللی هستند. روسیه در صدد جلب حمایت برخی کشورهای کلیدی اروپا و اعمال فشار بر ترکیه است. از طرف دیگر ترکیه به دنبال جلب حمایت کشورهای عرب منطقه و مشخصا عربستان سعودی و قطر است. واقعیت این است که چشم انداز درگیری نظامی گسترده از احتمال بسیار محدودی برخوردار است. آمریکا و متحدینش علیرغم گسترش تقابل با روسیه در دوره اخیر، خواهان ورود به یک درگیری نظامی با روسیه نیستند.

اما تخاصم حاضر را باید در متنی گسترده تر و بعضا مستقل از پرووکاسیون ترکیه در سرنگونی هواپیمای روسی معنی و تعریف کرد. در این راستا باید به تلاش روسیه برای ایجاد شکاف در صفوف آمریکا و اروپا در قبال روسیه و همچنین تلاش برای افزایش مطلوبیت روسیه از جانب اروپا اشاره نمود.

کشمکش اوکراین و تلاش آمریکا و متحدین اش در اروپا برای خارج کردن اوکراین از حوزه نفوذ روسیه سرآغاز کشمکش قطب ناتو و روسیه شد. خارج کردن اوکراین از حوزه نفوذ روسیه عملا این کشور را از کشوری آسیایی – اروپایی به کشوری آسیایی تبدیل میکند. سیاستی که محدودیتها و عواقب بسیار ناگواری برای روسیه بدنبال خواهد داشت. از این رو چه جنگ در شرق اوکراین توسط نیروهای پرو روسی و چه دخالت نظامی در سوریه علیرغم اهداف مستقیم و بلاواسطه خود، هدف عمومی تری را دنبال میکنند. از نقطه نظر روسیه، یک رکن اصلی اقدام نظامی روسیه در سوریه نشان مطلوبیت این نیرو در برابر اروپا است. روسیه تلاش میکند، مقبولیت خود را در عین حمایت از رژیم استبدادی اسد، با مقابله همه جانبه با داعش به ثبت برساند.

از نقطه نظر روسیه، چنانچه این کشور بتواند در عین حفظ بنیادهای حکومت سوریه، داعش را عملا نابود کند و یا دست و پایش را حسابی قیچی کند، توانسته است که عملا مطلوبیت خود را بمثابه نیرویی که قادر شده است که اروپا را از شر داعش خلاص کند، نشان دهد. این "برگ برنده" روسیه در این مقطع است. یک هدف روشن پوتین تاثیر گذاری بر موقعیت و مناسبات اروپا در قبال روسیه است.

روسیه میکوشد با خلاص کردن اروپا از شر داعش عملا نقش برتر و موقعیت غیر قابل انکار روسیه را در معادلات بین المللی و در قبال اروپا نشان دهد. این اهرمی است که علاوه بر محاسبات منطقه ای و منافع ارتجاعی این کشور را به دخالت نظامی گسترده در سوریه کشانده است.

در قسمت بعدی به مسائل زیر پرداخته خواهد شد: سوریه چه نقشی در سیاست عمومی روسیه و در کشمکشهای منطقه ای و جهانی در این دوره بازی میکند؟ موقعیت جمهوری اسلامی در این تحولات چگونه رقم خواهد خورد؟ بالاخره به مساله داعش میرسیم. همه این نیروها حداقل در سطح ظاهر معتقدند خواهان نابودی داعش هستند، آیا این سیاستها به نتایج مورد نظر خواهد رسید؟ راه اساسی نابودی داعش کدام است؟